

پارادوکس تحریم‌ها

شما می‌گویید به دلایل انسانی مواد غذایی و دارویی معاف از تحریم‌اند و هم‌زمان بر صفرشدن صادرات نفت ایران که مهم‌ترین منبع ارزآور کشور است، تأکید می‌کنید. حتی به فرض معافیت مزبور، چطور می‌شود که بدون داشتن درآمد، بهای آن اقلام را پرداخت؟ مضافاً وقتی شما سوبیفت را تحت بیشترین فشار قرار می‌دهید تا ارتباطات مالی بین‌بانکی خود را با ایران قطع کند، از چه طریقی می‌توان وجه دارو و غذا را پرداخت کرد؟ به‌علاوه، به فرض که معافیت اقلام باشد به دلایل انسان‌دوستانه باشد، آیا مگر نه این است که این همان «نفت در برابر غذای» عراق دوره صدام است که یک قلم هلاکت ۵۰۰ هزار کودک معصوم را به دنبال آورد؟ این چه کوسه ریش‌پهنی است که هم انسانی و هم به‌درستی تداعی‌کننده ضربه‌ی‌ترین مصنوع تحریم دو دهه اخیر است؟

۴. آیا تحریم صدها شخص حقیقی و حقوقی حال یا هر توجیهی، مگر نه این است که به تکت‌تک آحاد جامعه انتقال می‌یابد و آنها را به ترکش خود گرفتار می‌کند؟ اگر بانک مرکزی که بانک بانک‌ها است تحریم شود، مگر نه این است که همه بانک‌ها تحریم می‌شوند؟ و وقتی بانک‌ها که با همه کم‌وزیادشان بالاخره بنگاه‌های خدمات‌رسان‌اند، تحریم شوند، مگر نه این است که همه جامعه از آن خدمات محروم می‌مانند و آسیب جدی می‌بینند؟ اگر مقامی در سازمان تأمین اجتماعی تحریم شود، مگر نه این است که همه زیرمجموعه‌های او از این وضعیت تأثیر می‌گیرند؛ به‌گونه‌ای که ممکن است نتوانند نه‌تنها مراکز اقتصادی، بلکه بیمارستان‌های وابسته را حتی برای خدمات‌رسانی‌های اولیه آماده نگه دارند؟ ۵. شما که می‌گویید «قصد آمریکا تغییر رژیم نیست؛ بلکه تغییر رفتار آن است» و از ایرانیان می‌خواهید تا «علیه دولت‌شان اعتراض کنند و تغییرات اساسی را بخواهند»، به این پرسش‌ها هم پاسخ دهید که سنجه تفکیک‌تان چیست و اصولاً چطور آن را عملی می‌بینید؟ مهم‌تر آن، از خود هم نمی‌پرسید این چه برخورد مومنی است که مردم یک کشور را مانند انسان محصور که نیاز به قیم دارد، بدانید و متوقعانه آنها را علیه حکومت‌شان بشورانید؟ آیا با همان سنجه و مثرهای خود از خود نمی‌پرسید که اگر این دخالت آشکار در امور داخلی یک کشور نیست، پس چیست؟

۶. شما که با برخوردارکردن تبعیض‌آمیز دوتابعیتی‌های ایرانی‌الاصل از معافیت محدودیت انتقال عواید حاصل از فروش دارایی‌های‌شان به آمریکا نه‌تنها میلیارد‌ها دلار به اقتصاد ایران زیان وارد می‌کنید؛ بلکه عملاً و شاید هم عمداً آنها را از زادگاه و خاستگاه اصلی خود جدا می‌کنید تا دیگر در حد مالکیت خانه و کاشانه‌ای برای آنها علقه‌ای به نام میهن باقی نماند، چگونه می‌توانید این‌گونه اقدامات را توجیه کنید؟ بسیار واضح است که برای این پرسش‌ها فعلاً از جانب کاخ‌سفیدنشین و اهالی کاپیتول‌هیل پاسخی نیست؛ اما رای‌واقی دارم با برخوردارشدن این «بنگه‌نیایی»‌ها از عقلانیتهی که صرفاً از طرف مقابل خود انتظار دارند، مشکل به «مشکلی نیست که آسان نشود»، بدل شود.

مواجهه با تحریم‌ها بعد از ۱۳ آبان

اما آیا واردشدن به این راه‌حل امکان‌پذیر است؟ اگر صداسوسیم‌ا را ملاک قرار دهیم، جایی برای بررسی و پیشنهاد باقی نمی‌ماند. در همین چند روز، ترجیح داده به‌جای بحث‌های کارشناسی و اقلاعی، روش‌های تبلیغاتی‌ای به دستور قرار دهد. در همین زمان دولت روحانی به استناد اصول حقوق بین‌الملل، تعرض به سردر سفارت ایران در لندن و تجاوز به حریم سفارت ایران در پاریس را محکوم می‌کند و دعوای خود را علیه آمریکا در زمینه تحریم‌ها و درباره خسارت‌خواهی آمریکا به بهانه گشته‌شدن سربازانش در بیروت، با استناد به قرارداد مودت میان دوکشور به دیوان دادگستری لاهه برده است. درست در زمان سفر روحانی به اتریش و سوئیس و در زمان سفر وزیر خارجه به اروپا برای کاستن از فشار تحریم‌ها، ناگهان دو موضوع مشکوک درباره دست‌داشتن دیپلمات ایرانی در اتریش که به آلمان سفر کرده و از زن‌وشوهر جوانی در بلژیک برای بردن نیم کیلو ماده منفجره به فرانسه برای طرح انفجار در کنفرانس مناقیق در پاریس استفاده کرده به‌اصطلاح می‌ورود و در دومی کسانی به دلیل برنامه قتل رهبران سازمان تروریستی مستقر در کپنهاگ تبلیغات وسیع منتشر می‌شود. می‌توان این مسائل را به سناریوسازی برخی کشورهای منطقه نسبت داد. فراموش نکنیم اعراب، فلسطینیان و سایر کشورهای اسلامی همگی باید تجاوزات اسرائیل را محکوم کنند اما این اتفاق نمی‌افتد و حالا همه یپکان‌ها به سمت ایران است. عرب‌ها اغلب طرف اسرائیل را گرفته‌اند و ایران را به جنگ تهدید می‌کنند. در ترکیه مسلمان، بن‌زین به هواپیماهای ایران نمی‌دهند، در مالزی مسلمان، مهاجر محمد با لحنی یوزش‌خواهانه اعلام می‌کند که منافع ملی را ترجیح می‌دهد و از تجارت با ایران معذور است. پاکستان مسلمان که بمب اتمی و موشکش را هم دارد، هرچند اسرائیل را محکوم می‌کند اما آنها را تهدید نمی‌کند. در یک جمله، باید به سست مدیریت تنش‌ها رفت؛ راه‌حلی که دست‌کم مستلزم مذاکره از طریق میانجی مصلح است و نیاز به دیپلماسی حرفه‌ای و پرهیز از موازی‌کاری دارد.



ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

اقتصاد



ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش

ارزش